

به نقل از: ماهنامه کارگری ارگان کارگری چریک‌های فدایی خلق ایران
شماره ۹۰، پانزدهم تیرماه ۱۴۰۰

اعتصاب، مدرسه انقلاب!

بیش از دو هفته است که اعتصاب کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی و گاز برای دستیابی به بدیهی‌ترین مطالبات‌شان ادامه دارد. اما در این فاصله نه کارفرمایان و نه دولت گامی در جهت حل مشکلات کارگران برنداشته‌اند و بر عکس آنها با تهدید به اخراج کارگران تلاش کرده‌اند در اراده کارگران جهت ادامه اعتصاب اخلاص ایجاد کنند. اعتصاب در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی که از شریان‌های اصلی اقتصاد ایران به شمار می‌روند در طول حاکمیت ضد کارگری جمهوری اسلامی کمتر سابقه داشته است. اما امروز شاهدیم که هر چه اعتصاب در این صنایع بیشتر ادامه می‌یابد با حمایت کارگران بیشتری مواجه شده و بار سراسری بیشتری پیدا می‌کند. کارگران در برخورد به این اعتصاب، تاکنون جز مقداری وعده‌های دروغین، پاسخی از شرکت‌های پیمان‌کاری و دولت روحانی و دار و دسته ریسی دریافت نکرده‌اند.

برای مقابله با اعتصاب کارگران در صنایع مذکور، کارفرمایان که از حمایت دولت مدافع سرمایه‌داران جمهوری اسلامی برخوردار می‌باشند در همان آغاز در هراس از سراسری شدن این اعتصاب با دست‌پاچگی اقدام به اخراج ۷۰۰ کارگر پیمانی در پالایشگاه تهران نمودند تا بلکه بتوانند با چنین حربه‌ای کارگران در بخش‌های دیگر این صنایع را از دست‌زدن به اعتصاب و پیوستن به هم‌طبقه‌ای‌های خود در پالایشگاه تهران باز دارند. حتی در ادامه سیاست سرکوبگرانه پیمان‌کاران پالایشگاه تهران شرکت کنسرسیوم سازه و جهان پارس نیز کارگران را تهدید نمود که اگر تا روز شنبه ۱۲ تیرماه سر کار برنگردند حقوق ماه‌های ازدیبهشت و خرداد آنها را پرداخت نخواهند کرد. در همین حین در ۱۴ تیرماه خبر رسید که شماری از کارگران پتروشیمی گچساران توسط شرکت تیام‌صنعت از شرکت‌های طرف قرارداد پتروشیمی گچساران اخراج شدند. با این حال اقدامات ضد کارگری صورت گرفته نتوانست از پیوستن کارگران شاغل در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در سراسر کشور به اعتصاب جلوگیری نماید.

در عسلویه که یکی از مراکز اصلی این اعتصاب می‌باشد کارفرمایان در جهت بازداشتن کارگران از تداوم اعتصاب خود با قطع آب و غذا و اخلاص در سرویس‌های ایاب و ذهاب عملاً امکان تردد کارگران برای تهیه نیازهای غذایی خود را ناممکن ساخته‌اند تا به این وسیله بتوانند کارگران را از خوابگاه‌های خود بیرون کرده و فشار به کارگران اعتصابی را فزونی بخشند. در این بخش سرمایه‌داران زالوصفت به امام جمعه نیز متوسل شده‌اند و او در یک اقدام نماینده کارگران را جمع نموده و سعی کرد کارگران را از اقدام به راهپیمایی در شهر و یا انجام شکل‌های دیگر مبارزه باز دارد و کارگران را در رابطه با عواقب این کار تهدید کرد.

از ۲۹ خرداد که اعتصاب در صنایع مهم کشور شکل گرفت تا کنون که بر اساس آخرین گزارشات بیش از ۸۲ واحد صنعتی به اعتصاب پیوسته و همبستگی خود را با کارگران شروع‌کننده‌ی حرکت اعلام کرده‌اند، دولت روحانی و شرکت نفت هیچ گام عملی و واقعی در جهت تحقق خواست‌های

کارگران بر نداشته و شرکت نفت حتی مدعی شده است که چون طرف قرارداد کارگران شرکت‌های پیمان‌کاری می‌باشند موضوع به شرکت نفت ربطی ندارد. اما اگر چه امروز سپردن استثمار و مکیدن شیره جان کارگران به پیمان‌کاران از طرف صاحبان اصلی صنایع در ایران به امری متداول تبدیل شده است، ولی این به گردن شرکت‌های اصلی است که شرایط را برای باروری کار آماده نمایند. بر این اساس قانون خود جمهوری اسلامی تصریح نموده است که وقتی شرکت پیمان‌کار از اجرای وظایف خود باز می‌ماند این وظیفه شرکت اصلی است که دخالت کرده و پیمان‌کار را به اجرای تعهداتش مجبور سازد. با این حال شرکت‌های مذکور از انجام وظیفه‌ای که قانون دولت متبوع و مدافع‌شان وضع کرده است سر باز می‌زنند. آن هم در شرایطی که مطالبات کارگران خواست‌های بدیهی و بر حقی می‌باشد.

کارگران اعتصابی در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی با توجه به تورم روز افزون خواهان افزایش حقوق و پرداخت به موقع دست‌مزد خود می‌باشند. همچنین آنها تاکید دارند که با توجه به گرانی ارزاق عمومی حقوق کارگران ساده به هیچ‌وجه نباید کمتر از ماهی ۱۲ میلیون تومان باشد. یکی دیگر از مطالبات آنها با توجه به این که دور از خانواده و در خوابگاه محل کار خود به سر می‌برند این است که بیست روز کار کرده و ده روز مرخصی داشته باشند تا بتوانند به خانواده خود سر زده و تجدید قوا کنند. در حالی که در حال حاضر آنها در هر ماه ۲۴ روز کار می‌کنند و صرفاً ۶ روز مرخصی دارند. البته در کنار این خواست‌ها کارگران خواهان امنیت شغلی، امنیت محیط کار و ارتقا سطح بهداشت خوابگاه‌ها هم می‌باشند.

یکی از ویژگی‌های اعتصاب در صنایع یاد شده سراسری بودن آن می‌باشد. نکته قابل توجه این است که هر چه مدت بیشتری از اعتصاب می‌گذرد همبستگی داخلی و خارجی از کارگران اعتصابی فزونی گرفته و اراده کارگران برای تداوم اعتصاب قوی‌تر می‌گردد. این اعتصاب در زمانی شکل گرفته است که در کل جامعه شاهد اعتراضات و اعتصابات روزمره هستیم. به واقع روزی نیست که خبری از تجمعات و اعتراضات از پزشکان و داروسازان گرفته تا کشاورزان، بازنشستگان و کارگران شهرداری‌ها در چهار گوشه کشور شنیده نشود. این واقعیات بیانگر آن است که سیاست‌هایی که جمهوری اسلامی در جهت تامین منافع سرمایه‌داران داخلی و امپریالیست‌های ذی‌نفع در ایران دنبال می‌کند نه فقط زندگی و معیشت کارگران بلکه همه اقشار و گروه‌های اجتماعی تحت ستم در ایران را آن‌چنان مورد حمله قرار داده است که هر روز شاهد اعتراض دسته جدیدی از توده‌های تحت ستم می‌باشیم.

در برخورد به کارگران اعتصابی در شرایطی که دولت روحانی دوران‌ش پایان یافته و ریسی با دولت‌اش در حال کسب کنترل دولت می‌باشند، دار و دسته ریسی تا کنون چندین بار تعدادی از کارگران اعتصابی را دیده و از این صحبت کرده‌اند که کنترل کل پروژه پارس جنوبی در عسلویه را به شورای اسلامی کار محول خواهند کرد. این در حالی است که کارگران در تجربه خود دیده‌اند که هر جا کار به دخالت شورای اسلامی رسیده حقوق و مطالبات کارگران پایمال دخالت‌های این نهاد رژیم‌ساخته گشته است. به همین دلیل هم چنین پیشنهادهای با مخالفت کارگران آگاه مواجه شده است.

هر چند که در طول نزدیک به ۴۳ سال سلطه جمهوری اسلامی همواره کارگران ایران در صف اول اعتراض قرار داشته‌اند اما باید تاکید کرد که اعتصاب سراسری کارگران پیمانی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی فراز جدیدی از اعتراضات این طبقه می‌باشد. این واقعیت نشان می‌دهد که چگونه کارگران ما در جریان اعتصابات خود تجربه اندوخته و خود را برای حرکت‌های بعدی آماده می‌سازند. تنها مقایسه اعتصاب این‌بار کارگران پیمانی که با حمایت گسترده کارگران و اقشار مختلف مواجه شده با اعتصاب ده هزار کارگر پتروشیمی در ماهشهر در سال ۱۳۹۲ که به رغم گستردگی و حتی راهپیمایی کارگران در شهر انعکاس عمومی وسیعی نیافت نشان می‌دهد که کارگران در این فاصله چه تجربه بزرگی کسب نموده و چگونه توانسته‌اند اعتصاب خود را در زمانی و با مطالبه‌ای برپا دارند که هر چه بیشتر در استان‌های مختلف و واحدهای صنعتی گوناگون کشور گسترش یابد. بی دلیل نیست که در جنبش کارگری همواره گفته شده که اعتصاب "مدرسه جنگ" است؛ مکتبی که کارگران در آن می‌توانند فرا گیرند که چگونه باید علیه کل طبقه سرمایه‌دار و دولت حامی‌اش بجنگند تا راه‌هایی واقعی کارگران هموار گردد.

شرایط سیاسی کشور و توازن قوای موجود بین کارگران و کارفرمایان زالموصفت اجازه نمی‌دهد که با قاطعیت سرانجام این حرکت سراسری بزرگ را پیش‌بینی کرد. اما بدون تردید باید گفت که این اعتصاب همچون بقیه اعتصابات کارگری تجارب مبارزاتی غیر قابل انکاری برای هموار کردن راه جهت‌رهایی از استثمار در اختیار کارگران ایران خواهد گذاشت.

این اعتصاب نیز همچون دیگر حرکت‌های مبارزاتی کارگران به آنها خواهد آموخت که چگونه باید برای کسب مطالبات‌شان بجنگند و چرا رهایی واقعی آنها وابسته به نابودی نظام سرمایه‌داری حاکم و سرنگونی رژیم حامی این سرمایه‌داری وابسته به سیستم جهانی امپریالیسم یعنی جمهوری اسلامی می‌باشد. درس‌های این اعتصاب سراسری ارزشمند یک بار دیگر روشنی‌بخش این حقیقت خواهد بود که بدون مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و همراه با آن مبارزه برای نابودی سیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران کارگران به آزادی دست نخواهند یافت و خواهند آموخت که نابودی این جرثومه‌های فساد و تباهی تنها با توسل به مبارزه مسلحانه امکان‌پذیر می‌باشد.